

پژوهش میان‌رشته‌ای: نظریه و فرایند

• عصمت مؤمنی

استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی Momeni.esmat@yahoo.com

چکیده

کتاب حاضر، با تعریف، خاستگاه و ریشه مفاهیم مطالعات میان‌رشته‌ای، آغاز گردیده و با هدف عملیاتی کردن دیدگاه میان‌رشته‌ای به تعریف عناصر، اهمیت تلفیق و آغاز فرایند پرداخته‌است. و درنهایت، به شناسایی رشته‌های مرتبط و رسیدن به کفایت در این رشته‌ها و نیز، بررسی مسأله و ارزیابی اشاره نموده و در نتیجه به تلفیق بینش‌ها و ارئه درک میان‌رشته‌ای رسیده‌است.

کلیدواژه

مطالعات میان‌رشته‌ای، عناصر میان‌رشته‌ای، تلفیق میان‌رشته‌ای، فرایند میان‌رشته‌ای، کفایت رشته‌ها، تلفیق رشته‌ها، درک میان‌رشته‌ای.

۱. مقدمه

در دیباچه‌ای که پژوهشکده بر کتاب نوشته‌است، می‌خوانیم: «واقعیت این است که ذات علم همواره مقتضی بینش میان‌رشته‌ای است. تاریخ علم در سرزمین‌های متعدد گویای آن است که عالمان و دانشمندان، ساحت‌های مختلف علمی را تعریف کرده و همواره این ساحت‌ها را در نسبت با هم برقرار نموده‌اند. در قرن‌های نوزدهم و بیستم، حسب برخی از ضرورت‌های تاریخی، اجتماعی، سیاسی و صنعتی، نوعی سکولاریزه کردن علوم از بینش‌های فلسفی و روان‌شناختی، تاریخی، فرهنگی، دینی، اخلاقی و غیره و متعاقب آن، نوعی تخصص‌گرایی و رشته‌گرایی رایج شد؛ اما چون علم برحسب ذات و رویه تاریخی خود مقتضی بهره‌گیری از نگاه‌های متعدد علمی است، لذا بار دیگر میان‌رشته‌ای مورد توجه محافل علمی جهان قرار گرفت (۸-۷).



■ ریکو، آلن. (۱۳۹۴)، پژوهش میان‌رشته‌ای: نظریه و فرایند، ترجمه محسن علوی‌پور، مجید کرمی، هدایت‌الله اعتمادی‌زاده دریکوندی و علی‌اکبر نورعلی‌وند، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۵۳۶ ص، ۲۶۸۰۰۰ ریال، ۲۰۰ نسخه، اعلام وصول (۱۳۹۵/۰۵/۲۵) شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۹۹۶-۴۸-۶

فصلنامه نقدکتاب

**اطلاعات
ارتباطات**

سال چهارم، شماره ۱۳ و ۱۴
بهار و تابستان ۱۳۹۶

۱۱۶

جاودانی و توفیقی (۱۳۸۸) گفته‌اند، مطالعات میان‌رشته‌ای به‌منظور نیل به چشم‌اندازی جدید و نقادانه، سه ویژگی درهم‌تنیده و دگراندیشی و تفکر نقاد دارد. برزگر (۱۳۸۶) می‌گوید، نکته بسیار مهم در رهیافت میان‌رشته‌ای، وحدت و ارتباط میان علوم و رشته‌ها است که در پرتو این همکاری گروهی حاصل می‌آید (ماحوزی، ۱۳۹۲). سلیمی (۱۳۹۲) در مقدمه مقاله‌ای می‌گوید که جهان امروز، جهان بازاندیشی است. بازاندیشی درباره همه چیز. دانش‌ها و علوم مختلف با مجوز و احساس ضرورت بازاندیشی، به حیات خود ادامه داده‌اند و گام‌به‌گام در مسیر تکامل خود درمورد همه چیز از بنیادهای آن علم تا ماهیت موضوعات موردبررسی به تشکیک و تفکر پرداخته و نگاه‌های تازه درمورد آن مطرح کرده‌اند. تخصص‌گرایی افراطی در یک دوره از تاریخ علم، به‌رغم فواید فراوان و نتایج درخشانی که برای تمدن بشری داشته‌است، ضرورت‌های نوینی آفریده که بازاندیشی جدی در حیطه‌های مختلف اندیشه و دانش بشری را به‌همراه داشته‌است. پرسشی که چند دهه‌ای است ذهن بسیاری از متفکران را در حیطه‌های مختلف جغرافیایی و فرهنگی به خود معطوف ساخته، این است که آیا جداکردن دانش‌های مختلف ممکن است؟ آیا دانش‌ها که گاه خود را در قالب رشته‌های مختلف علمی جلوه‌گر می‌سازند، ذاتاً و اصالتاً از هم جدا هستند و شیوه‌های نگاه آن‌ها به موضوعات مورد مطالعه‌شان تفاوتی ذاتی دارد؟

با توجه به این که ذات جست‌وجوگر و خلاق انسان، خواهان فهم و درک محیط پیرامون خود، به‌منظور تشخیص، قضاوت و تصمیم‌گیری است و با نگاهی جامع و مانع درصدد کشف رابطه‌ها با هدف واکاوی علمی در کوتاه‌کردن فاصله‌ها و پرکردن فضاهای خالی علوم است، به‌نظر می‌رسد که بخش عمده‌ای از سیر تحول، تطور و تکامل علوم در گذشته، حال و آینده مرهون ایجاد، بسط و ارتباط‌های تخصصی و علمی و به‌عبارتی، مطالعات میان‌رشته‌ای است.

۱-۱. معرفی نویسنده

آلن اف رپکو^۱، دکترا و مدیر سابق برنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در دانشکده امور شهری و عمومی دانشگاه تگزاس در آرلینگتون^۲ ایالات متحده آمریکا است، جایی که او برنامه مطالعات میان‌رشته‌ای را سال‌های زیادی تدریس کرده‌است. رپکو درباره تمام جنبه‌های مطالعات میان‌رشته‌ای مطالعه کرده و آثاری نوشته است. وی دوبار به‌عنوان همکار ویراستار در مجله میان‌رشته‌ای و عضو هیئت‌مدیره انجمن مطالعات میان‌رشته‌ای^۳ بوده‌است. او همچنان به نوشتن و صحبت در کنوانسیون انجمن مطالعات میان‌رشته‌ای می‌پردازد و کارگاه سالانه مبنی بر توسعه برنامه‌های میان‌رشته‌ای ارائه می‌کند.

محسن علوی‌پور (مترجم)، دکترای علوم سیاسی (گرایش اندیشه سیاسی) دانشگاه تربیت مدرس، استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و مشاور و رئیس حوزه ریاست پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است. وی تألیفات خود را در زمینه مطالعات میان‌رشته‌ای با عناوینی چون مطالعه میان‌رشته‌ای بحران جامعه مدرن (۱۳۸۸)، مبانی نظری و روش‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای (۱۳۸۷)، چشم‌اندازها و چالش‌های مطالعات میان‌رشته‌ای (۱۳۸۷) و... منتشر کرده‌است.

۲-۱. درباره کتاب

در دیپاچه کتاب آمده‌است: «میان‌رشته‌ای در ایران با عمری بیش از یک‌دهه به‌صورت جدی مطرح شده و توانسته در برخی از حوزه‌ها به توفیق‌های نسبی شایانی دست یابد. بااین‌حال، در برخی دیگر از حوزه‌ها به‌ویژه در حوزه علوم انسانی این حرکت به‌کندی انجام شده‌است. این امر تاحدی ناشی از پیچیدگی و سختی علوم انسانی و تاحدی ناشی از مشکلات پیش روی علوم انسانی در ایران و شاید، نوعی ابهام در مفهوم میان‌رشته‌ای در دنیای جدید و نسبت علوم انسانی رایج در ایران با این مفهوم و رویکرد است. این کتاب بر آن است با زبانی ساده و روشن چيستی و چرایی رهیافت میان‌رشته‌ای را معرفی کند و خوانندگان را با ابعاد مختلف این رهیافت آشنا کند» (ص ۸).

مخاطبان این کتاب شامل دانشجویان اعم از کارشناسی و کارشناسی‌ارشد، استادان دانشگاه و مدیران پژوهشکده‌ها و علاقه‌مندان به حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای است. کتاب چهار بخش دارد و هر بخش از چند فصل تشکیل شده‌است. بخش نخست، درباره مطالعات میان‌رشته‌ای و حاوی فصل‌های ۱ و ۲ است که تعریفی از میان‌رشته‌ای، خاستگاه و مطالعات آن، ارائه داده‌است. در بخش دوم، درباره نظریه‌های مطالعات میان‌رشته‌ای سخن به‌میان آمده که شامل فصل‌های ۳ تا ۶ است و در

فصلنامه نقدکتاب

اطلاعات
ارتباطات

سال چهارم، شماره ۱۳ و ۱۴
بهار و تابستان ۱۳۹۶

۱۱۷

آن به عملیاتی کردن دیدگاه میان‌رشته‌ای، تعریف عناصر میان‌رشته‌ای، اهمیت تلفیق و آغاز فرایند پژوهش پرداخته‌است. در این فصل‌ها به معرفی جنبه‌های نظری میان‌رشته‌ای از جمله نقش رشته‌ها در مطالعات میان‌رشته‌ای، مفهوم دیدگاه رشته، عناصر معرف رشته‌ها که می‌توانند برای کسانی که به مطالعه میان‌رشته‌ای می‌پردازند، سودمند باشند و همچنین مفهوم تلفیق میان‌رشته‌ای آمده‌است. بخش سوم، درباره کسب بینش از رشته‌ها و حاوی فصل ۷ تا ۹ است که به شناسایی رشته‌های مرتبط، رسیدن به کفایت در رشته‌های مرتبط و بررسی مسئله و ارزیابی هر بینش مربوط به آن پرداخته‌است. بخش چهارم، درباره تلفیق بینش‌ها و حاوی فصل ۱۰ تا ۱۲ است که شامل شناسایی تناقض در بینش‌ها، ایجاد زمینه مشترک، تلفیق بینش‌ها و ارائه درک میان‌رشته‌ای است. به‌طور کلی در فصل ۷ تا ۱۲ این کتاب، میان‌رشته‌ای از بعد عملی و کاربردی آمده‌است و در پایان با یک نتیجه‌گیری درباره میان‌رشته‌ای در سده اخیر و نمایه واژه‌ها بحث را به پایان برده‌است.

کتاب در چهار بخش با عناوینی درباره مطالعات میان‌رشته‌ای، نظریه‌های مطالعات میان‌رشته‌ای، کسب بینش از رشته‌ها و تلفیق بینش‌ها سامان یافته‌است. این کتاب برای اولین بار در سال ۲۰۰۸ منتشر شده و به‌عنوان کتابی جامع و سامان‌مند از فرایند تحقیقات میان‌رشته‌ای و نظری مطالبی ارائه کرده‌است و در سال ۲۰۱۲ دومین ویرایش آن چاپ شده که نشان‌دهنده علاقه روبه‌رشد در پژوهش‌های میان‌رشته‌ای است. در کتاب یادشده نمونه‌های متعددی از علوم طبیعی، علوم اجتماعی، علوم انسانی و زمینه‌های کاربردی برای نشان دادن چگونگی ایجاد زمینه‌های مشترک و ساخت درک جامع‌تر میان‌رشته‌ای آورده شده‌است. ترکیب و توالی موضوعات مورد بحث در کتاب پژوهش میان‌رشته‌ای: نظریه و فرایند، از جز به کل بوده و نمونه‌های کاربردی و عملی، مسیر درک و فهم مطالب را در ذهن خواننده آسان‌تر کرده‌است. نویسنده با تفکیک سه شکل اصلی مطالعات میان‌رشته‌ای اعم از ابزاری، مفهومی و انتقادی مرز چپستی و چگونگی درهم‌تنیدگی، دگراندیشی و تفکر نقاد را جدا کرده‌است و با مروری بر شکل‌گیری و خاستگاه مطالعات میان‌رشته‌ای در چهار دریافت اعم از فلسفی، تخصصی، ایده‌رشته‌ای و بالآخره میان‌رشته‌ای به صفات و مهارت‌های پژوهشگران این حوزه پرداخته‌است. نویسنده به‌عنوان یک رهبری است که راه را پیموده و از نزدیک با مطالعه عمیق، مسیر را نشان داده‌است.

۲. نکات عمده و تشریح ویژگی‌های مهم کتاب

مطالعات میان‌رشته‌ای، فرایند پاسخ به یک پرسش، حل یک مسئله یا مواجهه با یک موضوع است که گستردگی یا پیچیدگی آن به‌حدی است که نمی‌توان به‌درستی

از طریق یک رشته علمی واحد با آن‌ها مواجه شد. این فرایند از دیدگاه‌های چند رشته علمی سود جسته و بصیرت‌های حاصل از این رشته‌ها را به‌منظور ایجاد یک فهم جامع‌تر یا پیشرفت شناختی تلفیق می‌کند (ص ۲۹). جمعی از صاحب‌نظران (کلاین^۴، ۱۹۶۰ و ۱۹۹۰؛ سالتر و هرن^۵، ۱۹۹۶؛ لاتوکا^۶، ۲۰۰۱؛ کلاین، ۲۰۰۵) سه شکل اصلی میان‌رشته‌ای را عبارت از میان‌رشته‌ای ابزاری، مفهومی و انتقادی دانسته‌اند. میان‌رشته‌ای ابزاری یک رویکرد عمل‌گرایانه است که بر پژوهش، اقتباس روش‌شناختی و حل مسئله عملی مبتنی است که در پاسخ به تقاضاهای خارجی جامعه صورت می‌گیرد. میان‌رشته‌ای مفهومی بر تلفیق دانش و نیز اهمیت طرح سؤال‌هایی که مبنای رشته‌ای واحدی ندارند، تأکید می‌کنند. میان‌رشته‌ای انتقادی این است که ساختارهای موجود دانش و آموزش را موردسؤال قرار داده و پرسش‌هایی درمورد ارزش و هدف مطرح سازد (ص ۳۹-۴۱).

ایده میان‌رشته‌ای و ظهور مطالعات میان‌رشته‌ای را می‌توان به‌عنوان پاسخی به دو تحول در قرن بیستم دانست. اولین تحول در جنبش آموزشی مربوط به بعد از جنگ جهانی اول به وقوع پیوست و دومی به انقلاب فرهنگی دهه ۱۹۶۰ و اصلاحات حاصل شده در آموزش‌ها مربوط می‌شود (ص ۶۹). سال ۱۹۷۹ یک گروه ۵۰ نفری از پژوهشگران مطالعات میان‌رشته‌ای به رهبری نیوول^۷ به این تصمیم رسیدند که نیازمند یک سازمان تخصصی و مجله علمی مختص به صفر هستند و انجمن مطالعات تلفیقی^۸ را تشکیل دادند. در سال ۱۹۸۲ انجمن یک مجله تخصصی تحت عنوان مسائل مطالعات تلفیقی تأسیس کرد و در عرض یک دهه، انجمن به رهبری نیوول به صدای ملی مطالعات میان‌رشته‌ای مبدل شد (ص ۷۴).

مهارت‌های میان‌رشته‌ای عبارت‌اند از: توانایی برقراری ارتباط توانمند (کلاین، ۱۹۹۶)، توانایی تفکر انتزاعی (سیبوری^۹، ۲۰۰۲)، توانایی تفکر دیالکتیکی (دیویس، ۱۹۷۸)، توان درگیرشدن در تفکر غیرخطی، توان تفکر خلاق (دیویس، ۱۹۹۲) و توان تفکر کل‌گرا (فسکی، ۱۹۹۵) (ص ۸۹).

از آن‌جا که رشته‌ها زیربنای پژوهش میان‌رشته‌ای هستند، نیوول بر این باور است که محقق میان‌رشته‌ای باید بدانند مفاهیم، نظریات و روش‌های نهفته در دیدگاه هر رشته چگونه عملیاتی می‌شوند. زوستات^{۱۰} (۲۰۰۴) معتقد است که تمام پدیده‌ها را می‌توان به‌آسانی به رشته‌های خاصی ربط داد، به شرطی که فرد، دیدگاه کلی رشته و پدیده‌هایی را که آن رشته نوعاً مطالعه می‌کند، بشناسد. تعریف شفاف دیدگاه رشته‌ای بر اهمیت نظریه به سه دلیل عملی، تأکید می‌کند: دلیل اول بنابر تأکید دونالد^{۱۱} (۲۰۰) این است که «هر رشته ذهنیات متفاوتی را می‌طلبد». دلیل دوم این است که نظریه، بر مباحث علمی درون رشته‌ها حاکم است و سوم این‌که این نظریه‌ها، پدیده‌های خاص یا موضعی را توضیح می‌دهند،

بسیاری از بینش‌های راجع به یک مسئله را فراهم می‌کنند و این بینش‌ها همان چیزهایی هستند که باید به‌منظور ایجاد درک میان‌رشته‌ای تلفیق شوند. شروع پژوهش میان‌رشته‌ای با دو روش تجهیز می‌شود: روش اول، رویکرد دیدگاهی سنتی است که شامل ربط‌دادن مسئله با رشته‌هایی است که دیدگاه‌های آن‌ها با مسئله مرتبط است. روش دیگر شامل ربط‌دادن موضوع به پدیده‌هایی مناسب است. استفاده از هر دو رویکرد نشان می‌دهد که تحلیل میان‌رشته‌ای می‌تواند نظام‌مند و همه‌جانبه باشد (ص ۱۹۴).

تلفیق، محور درک ماهیت مطالعات میان‌رشته‌ای و ویژگی برجسته آن است. تلفیق، همچنین در بطن فرایند پژوهش میان‌رشته‌ای قرار دارد (ص ۲۰۰). تلفیق میان‌رشته‌ای فرایند ترکیب خلاقانه ایده‌ها و دانش مربوط به منابع رشته‌ای به‌منظور ایجاد یک درک جامع‌تر یا پیشرفت شناختی است (ص ۲۱۲). مطالعات میان‌رشته‌ای مستلزم عمق، وسعت و تلفیق است. سه سوسازی^{۱۱} از منظر میان‌رشته‌ای، به معنی ایجاد تعادل بین عمق رشته‌ای، وسعت رشته‌ای و تلفیق میان‌رشته‌ای است (۲۱۴). عمق یعنی استفاده از رشته‌ها و بینش‌های آن‌ها؛ وسعت اشاره دارد به کار میان‌رشته‌ای که از رشته‌هایی که از منظر معرفت‌شناختی متفاوت هستند، بهره می‌گیرد و مطالعات میان‌رشته‌ای، تلفیق میان‌رشته‌ای است و ایجاد تبادل بین عمق رشته‌ای^{۱۲} و وسعت رشته‌ای^{۱۳}. تلفیق مستلزم استفاده از دانش رشته‌ای (عمق و وسعت) و مهارت‌های تلفیقی، دانش تلفیقی و یک ذهنیت تلفیقی است (ص ۲۱۶). پژوهش میان‌رشته‌ای یک فرایند تصمیم‌گیری اکتشافی، تکرار شونده و خودآگاهانه است (ص ۲۳۲). یک رویکرد اکتشافی، کمکی است در جهت درک یا کشف یا یادگیری (ص ۲۳۳). فرایند پژوهش میان‌رشته‌ای تکرار شونده است یا روندی تکرار دارد. مراحل یا روندهای آن به‌گونه‌ای است که مستلزم تکرار دسته‌ای از اعمال است که با هر بار تکرار نتیجه‌ای نزدیک‌تر به هدف مورد نظر به دست می‌دهند. فرایند پژوهش میان‌رشته‌ای را می‌توان خودآگاهانه نیز دانست؛ بدین معنی که از تعصب ناشی از عقاید مشخص یا رشته‌ای می‌تواند بر نتایج تأثیر گذارد و احتمالاً ارزیابی دیدگاه‌ها و بینش‌ها و در نهایت نتیجه تلفیق را با پیش‌داوری همراه سازد. (ص ۲۳۵). دو مشخصه دیگر فرایند پژوهش میان‌رشته‌ای، نیاز به تخیل خلاقانه (نیوول، ۱۹۹۰: ۲۳۵) و روندی طولانی دارند (نوواک، ۱۹۹۰: ۲۳۶). روند مرحله‌ای الگوهای تلفیقی فرایند پژوهش میان‌رشته‌ای عبارت‌اند از الف) کسب بینش‌های رشته‌ای (تعریف مسئله یا بیان پرسش مورد نظر، ارائه دلایل کافی در توجیه استفاده از رویکرد میان‌رشته‌ای، شناسایی رشته‌های مرتبط، بررسی مطالعات پیشین، رسیدن به کفایت در هر یک از رشته‌های مرتبط با تجزیه و تحلیل مسئله و ارزیابی هر بینش مربوط به آن؛ ب) تلفیق بینش‌ها و حصول درک میان‌رشته‌ای (شناسایی تناقض

فصلنامه نقد کتاب

اطلاعات
ادبیاتسال چهارم، شماره ۱۳ و ۱۴
بهار و تابستان ۱۳۹۶

۱۲۰

میان بینش‌ها و ریشه آن، ایجاد یا کشف زمینه مشترک به تلفیق بینش‌ها، حصول درک میان‌رشته‌ای از مسئله و آزمودن آن (رپکو، ۲۰۰۶: ۲۴۰-۲۳۹). فرایند پژوهش میان‌رشته‌ای چند مرحله دارد:

مرحله اول، بیان مسئله یا طرح پرسش موردنظر. معیارهای طرح یک سؤال میان‌رشته‌ای مناسب در هر سطحی باید بی‌انتهای باشد و چنان پیچیده باشد که یک رشته به‌تنهایی قادر به ارائه پاسخ برای آن نباشد، باید قابل پژوهش باشد و با استفاده از روش‌های پژوهش شناخته‌شده قابل تأیید باشد.

مرحله دوم، شرح دلایل اتخاذ رویکرد میان‌رشته‌ای است. برای ارائه چنین دلایلی باید معیارهای زیر حاصل شوند: موضوع باید پیچیده باشد، حداقل از جانب دو رشته بینش‌های مهمی در خصوص مسئله ارائه شده باشد، هیچ رشته‌ای به‌تنهایی قادر نباشد شرح یا راه‌حل جامعی از مسئله ارائه دهد، مسئله موردپژوهش یا سؤال موردنظر باید در فصل مشترک رشته‌های مختلف قرار داشته باشد، مسئله باید یک نیاز یا پرسش اجتماعی بی‌پاسخ باشد (ص ۲۶۴-۲۶۵).

مرحله سوم، شناسایی رشته‌های بالقوه مرتبط با مسئله و تعیین مرتبط‌ترین رشته‌ها از مسئله آن‌ها. در این مرحله باید در مراحل آغازین از طرح پژوهش استفاده شود و پژوهشگر کل فرایند را از آغاز تا پایان در ذهن خود ترسیم کند. انجام چنین مرحله‌ای در شناسایی اجزای مسئله و نحوه ارتباط هر یک با کل مجموعه کمک می‌کند.

مرحله چهارم، پژوهشگر باید بررسی کامل مطالعات پیشین، بینش و دانش برگرفته از مطالعات پیشین را در سه دسته رشته، میان‌رشته و مکتب فکری طبقه‌بندی کند (ص ۳۱۳-۳۱۵).

مرحله پنجم، رسیدن به کفایت در رشته‌های مرتبط است. منظور از کفایت این است که به‌اندازه کافی درمورد رشته موردنظر بدانیم تا درکی پایه از رویکرد آن به مسئله و نوع بینشی که درمورد آن ارائه می‌دهد، به‌دست آوریم (ص ۳۱۹). شناسایی نظریه‌های مرتبط اعم از درون‌رشته‌ای و نظریه‌هایی در حیطه هر یک از رشته‌های مرتبط، می‌تواند بخشی از رسیدن به کفایت باشد (ص ۳۱۹-۳۳۱).

مرحله ششم، بررسی مسئله و ارزیابی هر بینش مربوط به آن است. بررسی مسئله مستلزم آن است که رشته‌ها و دیدگاه‌ها یک‌به‌یک مطالعه شوند. ارزیابی بینش‌ها شامل دیدگاه هر رشته و مکتب فکری مرتبط، عناصر معرف این دیدگاه‌ها و نظریه‌ها، مفاهیم و فرضیاتی که مرتبط با موضوع هستند و بینش کارشناسان رشته‌ای مختلف نسبت به مسئله است (ص ۳۷۶).

مرحله هفتم، شناسایی تناقض میان بینش‌ها و تعیین منابع این تناقض‌ها است. منابع احتمالی تناقض میان بینش‌ها را مفاهیم، فرضیات و نظریه‌ها تشکیل می‌دهند.

تناقض در بینش‌ها می‌تواند در اصطلاحات یا مفاهیم مورد استفاده، ریشه داشته باشد (ص ۴۱۳). منبع احتمالی تناقض بین بینش‌ها، فرضیات هستند. مواردی نظیر این که واقعیت از همه چیز تشکیل می‌شود، چه چیزی سند و مدرک تلقی می‌شود؟ مسائل چگونه شکل می‌گیرند و ایده‌های کلی یک رشته چه چیزهایی هستند (وولف و هاینس، ۲۰۰۳: ۴۱۵). نظریه‌ها سومین منبع احتمالی تناقض میان بینش‌ها هستند که مفاهیم را در خود جای می‌دهند و منجر به درک بینش‌های مربوط به یک مسئله می‌شوند (ص ۴۱۹). سپس ارائه این اطلاعات به‌عنوان بخشی از تجزیه و تحلیل مسئله خواهد بود (ص ۴۳۴).

مرحله هشتم: زمینه مشترک میان رشته‌ای یک یا چند نظریه، مفهوم و فرضیه است که می‌توان بینش‌های متناقض را توسط آن‌ها با یکدیگر پیوند داد و تلفیق کرد. ایجاد زمینه مشترک مستلزم استخراج اشتراکات احتمالی مبنای بینش‌های متناقض رشته‌ای و نظریه‌محور است، به نحوی که بتوان آن‌ها را با یکدیگر منطبق ساخت و در نهایت تلفیق کرد. تلفیق بینش‌های زمینه‌ای و نظریه‌محور اغلب نیازمند استفاده از یک یا چند تکنیک تلفیقی است (ص ۴۴۵). تکنیک تلفیقی بسط نظریه برای اصلاح یک نظریه استفاده می‌شود، به روشی که بتواند تمام عوامل سببی مرتبط با مسئله را مورد خطاب قرار دهد (ص ۴۶۱)؛ تکنیک تلفیقی بازتعریف شامل اصلاح یا تعریف مجدد مفاهیم و فرضیات مورد استفاده توسط رشته‌های مرتبط است به شیوه‌ای که یک معنای واحد حاصل شود (ص ۴۶۳). تکنیک تلفیقی تعمیم با بسط معنای یک ایده خارج از حوزه یک رشته و بسط آن به حوزه دیگر رشته‌ها به تضاد میان مفاهیم و فرضیات رشته‌ای پاسخ می‌گوید (ص ۴۷۰). می‌توان تکنیک تلفیقی تعمیم را از راه تعمیم یک مفهوم یا فرضیه نه تنها در حیطه زمان و افراد، بلکه میان مرزهای فرهنگی، نژادی، جنسیتی، ایدئولوژیکی، ملی، منطقه‌ای، طبقاتی و سایر حوزه‌ها نیز برای ایجاد زمینه مشترک به کار گرفت (نیوول، ۲۰۰۷: ۴۷۱). تکنیک تلفیقی سازماندهی دو هدف را دنبال می‌کند: ۱. شناسایی اشتراکات پایه‌ای در معنای مفاهیم یا فرضیات مختلف رشته‌ای و ارائه تعریفی مجدد مطابق با آن؛ ۲. سازماندهی مفاهیم یا فرضیات تعریف شده برای ایجاد رابطه میان آن‌ها (نیوول، ۲۰۰۷: ۴۷۵). تکنیک تلفیقی تبدیل از متغیرهای سببی در زمانی استفاده می‌کند که در آن مفاهیم یا فرضیات نه تنها متفاوت، بلکه متضاد هستند (نیوول، ۲۰۰۷: ۴۷۶). در هر حال، ایجاد زمینه مشترک نیازمند شناسایی نظریه، مفهوم یا حتی فرضیه است که بتوان از آن برای تلفیق بینش‌های مرتبط بهره جست. پژوهشگر بسته به ویژگی‌های مسئله به انتخاب یکی از تکنیک‌های تلفیقی بسط نظریه، بازتعریف، تعمیم و سازماندهی یا تبدیل برای اصلاح نظریه، مفهوم یا فرضیه دست خواهد زد (ص ۴۸۱).

مرحله نهم، تلفیق بینش‌ها و ارائه درک میان‌رشته‌ای است که مهم‌ترین و دشوارترین مرحله از کل فرایند میان‌رشته‌ای، استفاده از نظریه، مفهوم یا فرضیه واحد برای تلفیق بینش‌های رشته است. نیکیتینا (۲۰۰۲) معتقد است که دو واژه تلفیق و آمیزش یک فرایند ذهنی بسیار پیچیده را شرح می‌دهد (ص ۴۸۳). تلفیق عموماً ترکیب عناصر سازنده مواد مجزا یا پدیده‌های ذهنی در یک قالب تنها یا واحد تعریف می‌شود^{۱۵} و آمیزش کنار هم قراردادن عناصر و اجزا برای تشکیل یک جمع کل است (اس. بلوم، ۱۹۵۶: ۴۸۴). برای تلفیق بینش‌های رشته‌ای نیز توانایی شناخت و شکل‌دهی الگوها، شبیه‌سازی، تفکر چندبعدی، رشد الگوها، تبدیل و درنهایت آمیزش اطلاعات بسیار ارزشمند است (ص ۴۸۹).

مرحله دهم، ارائه درکی میان‌رشته‌ای از مسئله و آزمون آن است. درک میان‌رشته‌ای عبارت است از توانایی تلفیق دانش و طرز تفکر دو یا چند رشته به نحوی که منجر به یک پیشرفت شناختی شود که با بهره‌گیری از امکانات یک رشته قابل حصول نباشد. این پیشرفت، تشریح یک مسئله، حل یک مسئله، حصول یک نتیجه یا طرح یک پرسش جدید را دربرمی‌گیرد. بوکس مانسیلا^{۱۶} (۲۰۰۵) چهار اصل اساسی برای این مفهوم برمی‌شمارد: برپایه نگاهی عملگرایانه از درک استوار است، مبتنی بر رشته است، تلفیق دیدگاه‌های رشته‌ای را به دنبال دارد، هدفمند است و به پیشرفت شناختی برای مثال، یک بینش جدید، راه‌حل، روایت یا شرح منجر می‌شود (ص ۵۰۸).

۳. نتیجه‌گیری

نویسنده کتاب با پیروی از کار فینکس^{۱۷} (۱۹۶۴) رشته را دارای پنج مؤلفه می‌داند: مؤلفه بنیادی (شامل فرضیه‌ها، متغیرها، مفاهیم، اصول و ارتباطات رشته)؛ مؤلفه زبانی (شامل زبان سمبلیک که اجزا در آن تعریف شده و روابط بررسی می‌شوند)؛ مؤلفه تلفیقی (شامل جست‌وجو در فرایندهای اساسی که رشته حول آن‌ها توسعه می‌گیرد)؛ مؤلفه ارزشی (شامل تعهد نسبت به این که چه چیزی باید مطالعه شود و این مطالعه چگونه باید انجام شود)؛ مؤلفه ربطی (شامل رابطه رشته با رشته‌های دیگر) (لاتوکا^{۱۸}، ۱۳۸۷: ۱۷۰ به نقل از رحمانی، ۱۳۹۲: ۴).

کتاب حاضر، برای ورود به بحث مطالعات میان‌رشته‌ای، از صفحه ۱۲ تا ۱۶ رشته را تحت عنوان واژه «رشته» به‌عنوان بخشی از مطالعات میان‌رشته‌ای آورده است: «یک رشته علمی، شاخه خاصی از یادگیری یا مجموعه‌ای از دانش است که عناصر تعریفی آن، یعنی پدیده‌ها، مفروضه‌ها، مفاهیم، نظریه‌ها و روش‌ها آن را از سایر تشکیلات دانشی متمایز می‌سازد. رشته‌های علمی و عناصر تعریفی آن‌ها سازه‌های انعطاف‌ناپذیر و تغییرناپذیری نیستند، بلکه سازه‌های اجتماعی و فکری در حال

شکوفایی به‌شمار می‌روند و به‌معنای واقعی کلمه به زمان وابسته‌اند». به‌نظر می‌رسد، با توجه به این‌که بخشی از واژه مطالعات میان‌رشته‌ای کلمه «رشته» است توضیح بیشتری برای تبیین رشته لازم است تا خواننده درک جامع‌ومانعی از آن به‌دست آورد.

مطالعات میان‌رشته‌ای امری اجتماعی و فرهنگی است که به‌طور خاص، خود را در سنت تقسیم‌بندی علوم نشان می‌دهد. تا «رشته» تاریخ خود را در هر جغرافیایی، البته در تعامل با کلیت جغرافیای زمین، طی نکرده باشد و تا معین نشود که قرار است چه چیزی به‌عنوان رشته با یکدیگر تلفیق شود، امکان تلفیق میان‌رشته‌ای، چندرشته‌ای و بین‌رشته‌ای فراهم نمی‌شود (بحرانی، ۱۳۹۲: ۵۴-۵۵). نویسنده کتاب پژوهش میان‌رشته‌ای: نظریه و فرایند، برای ورود به بحث مطالعات میان‌رشته‌ای، در بخش نخست از صفحه ۱۱ تا ۵۵ به تعریف و خاستگاه میان‌رشته‌ای پرداخته‌است. به‌نظر می‌رسد، برای تبیین خاستگاه مطالعات میان‌رشته‌ای با توجه به پیچیدگی‌های مسائل، می‌تواند بخشی از فرایند فرهنگی وسیع‌تری را در سطح ملی و فراملی دربرگیرد.

نویسنده به چهار برداشت مختلف از مطالعات میان‌رشته‌ای به‌ویژه در علوم انسانی اعم از در جست‌وجوی حقیقت، در جست‌وجوی نقد، در جست‌وجوی معنا و در جست‌وجوی روایت پرداخته‌است. در ادامه، برداشت سوم با تأکید بر مطالعه ساختارهای زیربنایی مشترک در علوم انسانی و با تأکید بر مفهوم زبانی، ابزار تفسیر و از طریق فهم درونی علوم انسانی و همدلی با کنش‌گر و با تکیه بر قاعده عام معناکاوی و با هدف مطالعه کلیت علوم انسانی با توجه به قواعد فرهنگی به رشته‌ها و حوزه‌های مختلف علوم انسانی نزدیک شده و آن‌ها را بررسی کرده‌است. در این برداشت برای فهم بنیاد علوم اجتماعی نمی‌توان آن‌ها را مستقل دانست، بلکه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای ضرورت پیدا می‌کند (احمدوند و حمیدی، ۱۳۹۲: ۳۱-۵۳).

پی‌نوشت

1. Allen F. Repko
2. Arlington, Texas
3. Association Interdisciplinary Studies
4. Klein
5. Salter & Hearn
6. Lattuca
7. Newell

8. Association for Integrative Studies (AIS)
9. Seabury
10. Szostak
11. Donald
12. Triangulation
13. Disciplinary Depth
14. Disciplinary Breath
15. Random House Dictionary
16. Boix Mansilla
17. Feniks
18. Lattuca, Lisa R

فصلنامه نقدکتاب

اطلاعات
ارتباطات

سال چهارم، شماره ۱۳ و ۱۴
بهار و تابستان ۱۳۹۶

۱۲۵

منابع

- احمدوند، شجاع و سمیه حمیدی. (۱۳۹۲)، «چهار روایت در فهم معنای مطالعات میان‌رشته‌ای»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ۶، ش ۱، ص ۳۱-۵۳.
- بحرانی، مرتضی. (۱۳۹۲)، «رشته، میان‌رشته و تقسیم‌بندی علوم»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ۵، ش ۲، ص ۳۷-۵۹.
- برزگر، ابراهیم و همکاران. (۱۳۸۶)، مطالعات میان‌رشته‌ای در ایران، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- جاودانی، حمید و جعفر توفیقی. (۱۳۸۸)، «ساختارها، فرایندها و عوامل مؤثر بر توسعه میان‌رشته‌ای‌ها»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ۲، ش ۱، ص ۳۷-۵۶.
- رحمانی، جبار. (۱۳۹۲)، «فرهنگ‌شناسی: میان‌رشته‌ای و علم انسان‌شناسی»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ۵، ش ۳، ص ۱-۱۹.
- سلیمی، حسین. (۱۳۹۲)، «ماهیت میان‌رشته‌ای دانش سیاست»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ۶، ش ۱، ص ۱۱۷-۱۳۴.
- لاتوکا، لیسآ آر، جی وویگت لوییس و کیمبرلی کیوفات. (۱۳۸۷)، «آیا میان‌رشته‌ای به بهبود یادگیری می‌انجامد؟»، در کتاب چالش‌ها و چشم‌اندازهای مطالعات میان‌رشته‌ای، تدوین و ترجمه محسن علوی‌پور، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ماحوزی، رضا. (۱۳۹۲)، «رویکرد فارابی و ابن‌سینا به علوم و تقسیم آن، رویکردی پیش‌رشته‌ای، رشته‌ای یا میان‌رشته‌ای»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ۵، ش ۳، ص ۳۷-۵۱.